

آنچه که من در این بخش زیر سرنویس نام آوران تاریخ ارائه کرده‌ام، نمی‌تواند از این قاعده جدا باشد. گاهی لفظ و آهنگ نام و زمانی نقش و شخصیت‌شان در عرصه زندگی مورد توجه من بوده است. مانند: جهان پهلوان تختی یا استاد چیره‌دست موسیقی ابوالحسن صبا، یا شاعر دلسوخته رهی.

پرنده کوچک کتاب من، ناتوانتر از آن بوده که بتواند از دور دست‌های تاریخ و دیار رفتگان، نام تمامی مشاهیر علمی، فلسفی، سیاسی، فرهنگی، هنری، ورزشی و حماسی کشورمان را در این گزیده عرضه نماید و آنچه را که در شأن آن زنده‌یادان است به عنوان سپاس تقدیمشان سازد.

امید است هر یک از ما سپری کنندگان روزگار، نام آوران دوران خود باشیم.

♀ Ataš	آتش		
	آتش اصفهانی، شاعر معروف عهد بازگشت.		
♀ Atašafruz	آتش‌افروز	♂ Abāgrān	آباگران
	روشن کننده آتش، مرغ افسانه‌ای، ققنوس.		سردار شاپور دوم ساسانی.
♀ Atašak	آتشک	○ Abān-dād	آبان‌داد
	برق، کرم نباتات، نیز نام خادم قطران پهلوان سپاه ماچین در داستان سمک عیار.	♂ Abāndān	آبان‌دان
♀ Atusā	آتوسا		فرستاده خسرو اول ساسانی به دربار رم.
	نام چند شاهدخت ایرانی در عهد هخامنشیان، دختر کورش و همسر داریوش اول.	♀ Abāndoxt	آبان‌دخت
♀ Āzar	آذر		همسر دارا، پادشاه ایران.
	آذر بیگدلی، شاعر معروف قرن دوازدهم.	♀ Āpām	آپام
♀ Āzarafruz	آذرافروز		همسر داریوش اول.
	دل‌داده بهرام در داستان های و همایون.	♀ Āpāmā	آپاما
♂ Āzarbād	آذرباد		دختر اسپیتمن سردار ایرانی.
	تلفظ دیگری از آتروبات. Atropat.	♀ Āpāma	آپامه
♂ Āzarbarzin	آذربرزین		خوش آب‌ورنگ، همسر داریوش بزرگ.
	یکی از آتشکده‌های مهم عهد ساسانی، پسر فرامرز پسر رستم، که کتابی هم به نامش به نظم آمده است.	♂ Ātropāt	آتروبات
♂ Āzarbahrām	آذر بهرام		(نگهبان آتش)، لقب فرماندار آذربایجان و یکی از سرداران داریوش سوم هخامنشی. (آتروبات)
	آتشکده بهرام در عهد ساسانی.	○ Ātri	آتری
♂ ĀzarJuš	آذر جوش		در فارسی باستان به معنای آذر.
	پهلوانی در داستان سمک عیار.	○ Ātrin	آترین
○ Āzarčehr	آذرچهر		آتشین و سرخ‌رنگ. نام پسر اویدرم که به نوشته سنگ نیشته‌یستون در زمان داریوش بزرگ در خوزستان یاغی شد و خود را پادشاه خوزستان خواند.

♂ Ārtamiz	آرتمیز	♂ Āzardād	آذرداد
فرمانده‌ای از نیروی دریایی خشایار شاه هنگام حمله به یونان.		نام پدر آذرباد از خاندان کیانیان.	
♀ Ārtistun	آرتیستون	♂ Āzarfar	آذرفر
دختر کورش کبیر که داریوش به همسری بردش.		از بزرگان عهد هخامنشی.	
♂ Ārdād	آرداد	♀ Āzarak	آذرک
دینار مانوی در ایران.		دخت یزدگرد سوم ساسانی.	
♂ Āršāvīr	آرشاویر	♂ Āzargošasp	آذرگشسب
(مرد مقدّس) هفتمین شاه اشکانی.		سردار فاتح ساسانی، نیز آتشکده‌ای معروف در عهد ساسانی.	
♂ Ārmini	آرمینی	○ Āzarmehr	آذرمهر
سپهسالار یزدگرد سوم ساسانی.		موبدی در زمان قباد ساسانی که در محکومیت مزدک نقش داشت.	
♂ Āruku	آروکو	♂ Āzarmehrbarzin	آذرمهربرزین
نام پسر کورش هخامنشی.		آتشکده‌ای مهم در عهد ساسانی.	
♂ Āryā	آریا	♂ Āzarnersi	آذر نرسی
(دوست، باوفا، نجیب) قومی از شاخه هند - اروپایی.		(آتش) که شیرمز افروزد) پسر هرمز دوم شاه ساسانی.	
♂ Āryābān	آریابان	○ Āzarīn	آذرین
(نگهبان ایران) یونانیان این نام را آریابوس نوشته‌اند.		نام یکی از شاهدخت‌های هخامنشی.	
♂ Āryābod, Āryābād	آریابود، آریاباد	♂ Ārtābāz	آرتاباز
سالار آریاییان.		سپهدار داریوش سوم.	
♂ Āryārāmnah	آریارامنه	♂ Ārtām	آرتام
(رام‌کننده آریاییان) پدر آرشام، جد داریوش بزرگ.		نام والی فریگیه در روزگار کورش بزرگ.	
♂ Āryāz	آریاز	♂ Ārtān	آرتان
یکی از سرداران هخامنشی.		پدر فراتاکون همسر داریوش.	
♂ Āryāsp	آریاسپ	♂ Ārtman	آرتمن
		برادر مهتر خشایار شاه پسر کورش.	

♀ Āmestris	آمستریس	♂ Āryāman	آریامن
دختر اردشیر دوم.		دریاسالار خشایار شاه.	
♀ Āmeneh	آمنه	♂ Āryobarzan	آریوبرزن
کسی که دارای امنیت خاطر است. نام مادر رسول اکرم.		سردار داریوش سوم هخامنشی در نبرد با اسکندر مقدونی.	
♀ Āmitidā	آمیتیدا	♂ Ārye	آریه
دختر آستیاک، همسر کورش.		سپهدار ایرانی، جانبدار پادشاهی کورش صغیر.	
♀ Āmitis	آمیتیس	♂ Āzād	آزاد
دختر هوخشتره.		نام بهدینی از خاندان کرسن.	
♂ Ānāg	آناگ	♀ Āzād-doxt	آزاد دخت
از بزرگان پارت در زمان اردشیر بابکان.		شهبانوی عهد اشکانی، همسر شاپور اول ساسانی.	
♂ Ānop	آنوپ	♀ Āsā	آسا
از بزرگان اشکانی.		خواهر شاپور دوم ساسانی.	
♂ Āvqān	آوگان	♂ Āstiyāz	آستیاز
پهلوانی از لشکر فریدون پیشدادی.		آخرین شاه ماد. نیز، آستیاگس.	
○ Āhu-pā	آهوپا	آسیداد، آسیدات	
از یاران ابومسلم خراسانی.		از بزرگان هخامنشی.	
♂ Abar-kām	ابراکام	♂ Āsidād, Āsidāt	
(کامروا)، پسر داریوش هخامنشی.		♀ Āsiyeh	آسیه
		همسر فرعون که به موسی ایمان آورد.	
♂ Abusalik	ابوسلیک	♀ Āšofte	آشفته
ابوسلیک یا بوسلیک گرگانی، از شاعران پارسی گوی پس از اسلام، معاصر عمر و لیث، قرن دوم.		تخلص شاعرانه چند شاعر پارسی گوی.	
♂ Abušakur	ابوشکور	♂ Āsef	آصف
از شعرای نیمه اول قرن چهارم، اهل بلخ و در ردیف نخستین شعرای پارسی گوی.		وزیر سلیمان پیامبر و تخلص شاعرانه چند تن از شعرای پارسی گوی.	

♀ Apdāne	اپدانه	♀	پسر و شتاب و برادر داریوش اول.
♂ Artāvāsduš	ارتاواسدوس	♂	پسر اردلان آخرین شاه اشکانی.
♂ Aprud	اپرود	♂	از بزرگانی که به امر شیرویه کشته شد.
♂ Otān	اتان	♂	نام داماد داریوش کبیر. در اوستا، هوتان.
♂ Atsez	اتسز	♂	پادشاه اشکانی.
♂ Ardā	اردا	♂	(فریبنده و جذاب). نقاشی در زمان اردشیر بابکان.
♂ Ardāvīraf	ارداویراف	♂	نویسنده کتاب ارداویراف نامه، موبدی پارسا در زمان ساسانیان که سفری روحانی به جهان مینوی کرد. «ارداویراف نامه» شرح این سفر است.
♂ Ardešīr	اردشیر	♂	(شهرباری مقدس). نام دو تن از شاهان هخامنشی. اول اردشیر درازدست پسر خشایارشا و دوم شاهنشاهی پس از اخس. یونانیان به او خوش حافظه لقب دادند. نیز نام سه تن از شاهنشاهان ساسانی که معروفترین آنان اردشیر بابکان است. وی مؤسس سلسله ساسانی بود.
♀ Oxā	اُخا	♀	دخت اردشیر دوم هخامنشی.
♂ Adānuš	ادانوش	♂	در داستان املق و عذرا رسولی که نزد عذرا رفت، و وی چشمش را با انگشت درآورد.
♂ Adham	ادهم	♂	ادهم کاشانی، شاعر ایرانی. متولد کاشان، وفات ۹۶۹ ه. ق.
♂ Arāsp	آراسپ	♂	از دوستان کوروش هخامنشی، کوروش پانته آ را به او سپرد.
♂ Artāfern	آرتافرن	♂	برادر داریوش هخامنشی، پسر مهرداد ششم اشکانی.
♂ Artān	ارتان	♂	

♀ Oront	اُرنَت	♀	فرماندار پارس هنگام یورش اسکندر به ایران.
♂ Orontās	ارنتاس	♂	کتاب معروف مانی.
♂ Osāk	اساک	♂	والی ایرانی در نبرد با داریوش سوم.
♂ Arsāman	ارسامن	♂	زن نرسی ساسانی.
♂ Aršān	ارشان	♂	ارزش یا ارشیز
♂ Aršam	ارشام	♂	جده داریوش هخامنشی، پسر آریامنه و پدر ویشتاسب. والی ایرانی مصر در زمان داریوش دوم. نیز، ارشام یا آرشامه.
♀ Estātīrā , Setātīrā	استاتیرا ، ستاتیرا	♀	سردار اشکانی.
♂ Aršez (aršiz)	ارشیز یا ارشیز	♂	نام سرسلسله اشکانیان. نیز، اشک.
♀ Ester	استر	♀	شهبانوی اشکانی.
♂ Arašk	ارشک	♂	آرشیاء ، آرسیاء ، اورسنوس
♀ Aršnus	ارشنوس	♀	فرمانده ارتش ایران در زمان داریوش سوم.
♂ Asfur	اسفور	♂	ارغند
♂ Aršīā , Arsiā , Orsenus	ارشیا ، آرسیا ، اُرسِنوس	♀	پهلوانی از لشکریان خورشیدشاه در داستان سمک عیار.
♂ Eskandarus	اسکندروس	♂	ارفش
♂ Arqand	اسوار	♂	از پهلوانان گرشاسب نامه.
♂ Arāfš	اشراق	♂	ارمن
♂ Arasb	افزون	♂	شاه ماچین در داستان سمک عیار.
♂ Arzās	ارزنسب	♂	
♂ Arzin	ارزین	♂	

همسر ردگوته دختر اردشیر دوم.
 ننی از خاندان هخامنشی، سردار شجاع اردشیر دوم.
 سردار پارتی که در جنگ با کاسیوس کشته شد.
 دختر ایرونس از بزرگان پارسی. همسر ارشک پسر داریوش دوم. دختر داریوش سوم و همسر اسکندر.
 برادر جمشید شاه و اول کسی که بر او خروج کرد.
 پسر اسکندر از روشنگ دختر دارا.
 پدر مرداوچ.
 تخلص شاعرانه چند شاعر پارسی گوی.
 سپهسالاری از سپهسالاران خاور کوه در سمک عیار.

ب

♂ Afsin	افشین	لقب امیران اشروسته.
♂ Alyār	الیار	از پهلوانان خورشیدشاه در سمک عیار.
♂ Alyān	الیان	از پهلوانان خورشیدشاه در سمک عیار.
♀ Emetis	امتیس	همسر اردشیر درازدست.
♂ Omid	امید	تخلصی شاعرانه مهدی اخوان ثالث و چند تن دیگر از شاعران.
♂ Anušzād	انوشزاد	فرزند خسرو پرویز از شیرین.
♀ Anušak	انوشک	نام زنی در روزگار ساسانیان.
♂ Anušīrvān	انوشیروان	(دارنده روان جاوید). لقب خسرو اول پادشاه ساسانی. حضرت محمد (ص) در زمان این پادشاه متولد شد.
♀ Owtānā	اوتانا	(زیبا اندام). از یاران داریوش اول در سرنگونی گئومات مغ.
♂ Owrang	اورنگ	از پهلوانان لشکر ارمنشاه در سمک عیار.
○ Ahli	اهلی	شاعر معروف شیرازی.
♂ Imānis	ایمانیس	لقبی که مرتبه یاغی بر داریوش، در مصاف با شاه خوزستان بر خود نهاد.
♂ Bābātāher	باباطاهر	شاعر و عارف ایران، متولد همدان. دوبیتی‌هایش دل‌انگیز است. وفات ۴۱۰ ه. ق. مقبره‌اش در همدان واقع و زیارتگاه است.
♂ Bābak	بابک	پسر ساسان و پدر اردشیر مؤسس سلسله ساسانی.
♂ Bābhāy	بابهای	استاندار نصیبین در زمان ساسانیان.
♂ Bātis	باتیس	دژبان غزه در زمان داریوش سوم که تا آخرین نفس در برابر اسکندر پایداری نمود.
♂ Bāzān	باذان	نام پسر ساسان.
♂ Bārbad (Bārbod)	باربد	موسیقیدان شهیر ایرانی و آوازخوان دربار خسرو پرویز، می‌گویند مخترع دستگاههای موسیقی ایرانی بوده است.
♀ Bārsin	بارسین	زن ایرانی که پس از شکست داریوش اسیر اسکندر شد.
♂ Bāriyāks	باریاکس	مردی از قوم ماد که خویش را شاه ماد و پارس خواند.
♂ Bāže	باژه	سردار ایرانی اردشیر دوم.

♂ Bāloy	بالوی	از بزرگان عهد خسرو پرویز.
♂ Bāmdād	بامداد	(داده بام، قرین فروغ و روشنایی). پدر مزدک.
♂ Bāmsād	بامشاد	نوازنده و موسیقیدانی در عهد ساسانیان.
♂ Bāmik	بامیک	دروازه پهلوی درخشان، باشکوه.
♂ Bāv	باو	پسر شاپور و ملازم خسرو پرویز. بعدها حاکم فارس شد.
♂ Bāyazid	بایزید	نام چند شاه ایرانی. نیز بایزید بسطامی، شاعر.
♂ Badaxšān	بدخشان	نام پدر سلمان، نویسنده تاریخ اصفهان.
♂ Bardān	بردان	نوزدهمین پادشاه اشکانی، پسر اردوان سوم.
♂ Bardiā	بردیا	پسر کوروش بزرگ و برادر کمبوجیه.
♂ Borzmehr	بُرمهر	موبدی در زمان انوشیروان و پهلوانی در زمان بهرام گور.
♂ Borzuye	برزویه	خطیب شهیر معاصر انوشیروان ساسانی که به امر او کلیله و دمنه را از هند به ایران آورد.
♂ Barsām	برسام	از نامداران شهر سمرقند در زمان یزدگرد سوم.
♂ Barmak	برمک	نام جد برمکیان (یحیی و پسرانش فضل و جعفر برمکی).
♂ Bozorgomid	بزرگ امید	معلم خسرو پرویز.
♂ Bozorgmehr	بزرگمهر	بزرگمهر Bozorgmehr، وزیر (شاید داستانی) خسرو انوشیروان. گویند راز شطرنج، هدیه شاه هند به ایران را گشود.
♂ Belāš	بلاش	پسر یزدگرد دوم، نوزدهمین پادشاه سلسله اشکانی. نیز، نام چند شاه دیگر اشکانی.
♂ Benāk	بناک	شاه جهرم در عهد اردشیر بابکان.
♂ Bondār	بُندار	اصیل. کمال‌الدین بندار رازی، شاعر بزرگ دیلمی. ریشه‌دار، کیسه‌دار، خانه‌دار.
♂ Banduy	بندوی	در داستانهای ملی، از سرداران ایران در دوران ساسانیان، که یار خسرو پرویز بود، و او را از کور شدن و برکناری پدرش، هرمز، آگاهی داد.
♂ Beh-āfarid	به‌آفرید	مردی خراسانی که معاصر ابومسلم بود و در دین زرتشتی بدعت نهاد.
♂ Behruz	بهرروز	پهلوانی هم‌عصر بهرام گور. وزیری در

♀ Pānte-ā	پانته آ	حکایت ملک بهمن.		
♀ Behruze	بهروزه	همسر شاه اسماعیل صفوی، بانوی رزم آور.		
♀ Pānti	پانتی	♀ Behsotun	بهستون	پسر بزرگ و شمشیر زبانی.
♀ Pāv	پاو	♂ Bahmanyār	بهمنیار	بهمنیارین مرزبان، شاگرد برجسته ابن سینا.
♀ Poršād	پُرشاد			
♀ Prošāt	پروشات	♂ Pāp	پاپ	پسر ارشک سوم، پادشاه اشکانی ارمنستان.
♂ Parviz	پرویز	♂ Pāpak	پاپک	پسر ساسان و پدر اردشیر بابکان.
♀ Parizād	پریزاد	♂ Pātafrah	پاتفره	پسر نیوزار از خانواده کیانیان.
♀ Parin	پَرین	♂ Pāduspān	پادوسپان	از ملوک طبرستان.
♂ Pežmān	پژمان	♂ Pärt	پارت	پارسی باستان پرتوه. سرزمین کوهستانی قدیم در جنوب شرقی دریای خزر.
♀ Purāndox	پوران دخت	♂ Pārs	پارس	در کتیبه های هخامنشی پارسه و در عربی، فارس گفته شده است.
♂ Puriyā	پوریا	♀ Pārmis	پارمیس	دختر بردیا، برادر کمبوجیه سوم.
		♂ Pāzārgād	پازارگاد	قدیمی ترین پایتخت شاهنشاهی هخامنشی در دشت مرغاب کنونی.

پ

♂ Pušang	پوشنگ	جهان پهلوان غلامرضا تختی، قهرمان بلند آوازه کشتی ایران.
♀ Termuzā	ترموزا	مادر فرهاد پنجم اشکانی که با پسرش بر تخت نشست.
♂ Takin	تکین	نام پهلوانی در ایران باستان.
♂ Tond-bād	تندباد	از پهلوانان لشکر زلزال در سمک عیار.
♂ Tondar	تندَر	تخلص یکی از شاعران.
♀ Turān	توران	نام یک قوم کهن هند و اروپایی که با ایرانیان در زد و خورد بودند.
♂ Tite	تیته	فرمانده سوارنظام خشایارشا.
♂ Tīrān	تیران	چند شاه از سلسله اشکانی.
♂ Tirdād	تیرداد	یکی از پادشاهان سلسله اشکانی.
♀ Tisbe	تیسبه	دلدادۀ پیرام، عاشق باستانی از اهالی بابل.
♂ Tābāl	تابال	فرماندار ایرانی سارد، در زمان کوروش هخامنشی.
♂ Tāž	تاژ	(لطیف و نازک). نام پسر فرواک برادر هوشنگ پیشدادی.
♂ Taxi	تختی	

ج

♂ Jābān	جابان	از سرداران ایرانی در سده دوم یزدگردی.
♀ Jāmāspe	جاماسپه	

نیای اسپهبد بختیار، جهان پهلوان روزگار خسرورویز:	از خدمهٔ قائم عیار در سمک عیار.	
♂ Dādbarzin	خورشیدبانو Xoršid-bānu ♀	شهادت چین در داستان ملک بهمین.
♂ Dādhormoz	خورنگ Xowrang ♂	پهلوانی از درهٔ گرد در سمک عیار.
♂ Dārā	خوشنام Xošnām ♂	از رزمندگان لشکر غاطوش در سمک عیار.
♂ Dārmān		
از سرداران خسرورویز.	دایی‌فان Dāiifān ♂	از بزرگان دربار کورش.
♂ Dāriyuš	داتافرن Dātāfern ♂	از نزدیکان داریوش سوم.
نام چند پادشاه هخامنشی.	داتام Dātām ♂	از فرمانداران پارسی کاپادوکیه.
♂ Dāmāta	داتامیس Dātāmes ♂	والی ایرانی کیلیکیا در زمان اردشیر دوم.
از نامهای روزگار هخامنشیان.	داتمه Dātme ♂	سردار کورش هخامنشی.
♀ Dāmāspiyā	داتیس Dātīs ♂	مردی از اقوام ماد، سردار لشکر ایران در جنگ با آنتیان.
شهبانوی اردشیر یکم هخامنشی.	دادآفرید Dādāfarid ♂	نخستین سرود بارید که آن را از پناه درختان به گوش خسرورویز رساند و خسرو را شیفتهٔ خود کرد.
○ Dānešāfruz	دادآفرین Dādāfarin ○	
کشیشی در داستان گل و نوروز.		
♀ Dānuš		
فروشندهٔ عذرا در داستان وامق و عذرا.		
○ Dāvos		
ذرات درخشان. نامی که آریاییان عصر ودایی بر مجموعهٔ عناصر نورانی و مقید می‌نهادند.		
♀ Dāha		
داهه نام خاندانی است.		
♂ Dāyun		

پادشاه ماد.

♀ Čehrak

چهرک

در کتیبهٔ زرتشت همعصر اردشیر بابکان آمده است.

♂ Čige'o

چی گئو

نام پسر پرشت گئو از خاندان هروی.

ح

♂ Hāfez

حافظ

خواجه حافظ خواجه حافظ شیرازی، شهرت و عنوانش شمس‌الدین محمد شیرازی، غزلسرای بزرگ ایران.

خ

♂ Xābān

خابان

سردار ایرانی در زمان رستم فرخزاد.

♂ Xorrambāš

خرم‌باش

در عهد ساسانی پرده‌دار و حاجب. بر بالای می‌رفت و ندا سرمی‌داد «ای زبان! مراقب سر خویش باش، چون امروز در پیشگاه شاهنشاه قرار گرفته‌ای».

♀ Xarman

خرمن

از نامهای ایران باستان. کارمن اروپاییان از این نام ریشه گرفته است.

♀ Xorrame

خرمه

همسر مزدک.

♂ Xašāyāršā

خشایارشا

پسر داریوش و جانشین او.

♀ Xorjān

خورجان

چ

♂ Čap

چپ

پهلوان سپاه خورشید شاه در سمک عیار.

○ Četrāfrenā

چترافرن

پشتیان فرزندان یا دودمان. نام دوازدهمین

ملکهٔ اردشیر درازدست.

♂ Jānforuz

جان فروز

نام یکی از سرداران بهرام چوین.

♂ Jānyār

جان‌یار

تاریخ نویسی از مردم بخارا.

♀ Jahānārā

جهان‌آرا

دختی از ختن در داستان ملک بهمین.

○ Jahānafruz

جهان‌افروز

بارسالاری در داستان گل و نوروز.

♀ Jahānxātun

جهان‌خاتون

شاعرهٔ ایرانی در قرن هشتم ه. ق. همسر خواجه امین‌الدین (وزیر شاه ابواسحاق اینجو) معاصر حافظ و عبید زاکانی.

♂ Jahāndār

جهان‌دار

جهاندار شاه فرزند عالم بهادر شاه پادشاه دهلی که ایرانی‌الاصل بود.

♂ Jahāngir

جهانگیر

فرزند همای و همایون در داستانی به همین نام.

جانووی، جوانو

♂ Javānuv, Javānu

فرستادهٔ ایرانیان به نزد منذر پادشاه یمن، پس از مرگ یزدگرد با پیام دعوت از بهرام گور برای پادشاهی.

♂ Rādmehr	رادمهر	موبد موبدان روزگار بهمین، شهریار کیانی.
♀ Dripeyti	دری‌پی‌تی	دختر داریوش سوم.
♂ Rādhormoz	رادهرمز	معشوقه آتشک و کنیز ارمنشاه در داستان سمک عیار.
♀ Delārām	دل‌آرام	نام مستعار خورشیدشاه در داستان سمک عیار.
♂ Rāsek	راسک	پادشاه مکران.
♀ Delāfruz	دل‌افروز	نام مستعار خورشیدشاه در داستان سمک عیار.
♂ Rāmān	رامان	پیشکار گشسب داد وزیر کیقباد.
♀ Delšād	دلشاد	سلطان دخت اویس جلایری.
♂ Rāmbarzin	رام‌برزین	سردار و مرزبان مداین در عهد انوشیروان.
♀ Rāmbehešt	رام‌بهشت	همسر ساسان، نای دودمان ساسانی.
♂ Rāmtin	رامتین	چنگ نواز نامی خسرو پرویز.
♀ Dayā'oku	دیاکو	نخستین شاه سلسله ماد که شهر همدان را بنا نهاد.
♂ Rāmin	رامین	دل‌داده ویس در داستان ویس و رامین.
♀ Divtāz	دیوتاز	از یاران ابومسلم خراسانی.
♂ Rāhzād	راهزاد	سردار خسرو پرویز.
♂ Rāyūin	رایین	سردار اردشیر دوم.
♀ Rādbarzin	رادبرزین	نجیب‌زاده‌ای ایرانی، هم‌عصر بهرام گور.
♂ Raxšān	رخشان	از سرداران داریوش سوم.
♂ Rāsām	رسام	پیکرنگار بهرام گور.
♀ Rodgun	رُدگون	سرخ روی. همسر ویشتاسب (پسر آرشام و پسر عموی کورش). و مادر داریوش.
♂ Rādmard	رادمرد	مردی در کتاب ایرانشاه.

♂ Rahnamā	رهنما	♀ Radime	ردیمه
۱ - غلامحسین رهنما، دانشمند مشهور عصر حاضر و متخصص در فنون ریاضی. (۱۲۵۸ هـ.ش / ۱۳۲۵ هـ.ش) - ۲ - زین‌العابدین رهنما، نویسنده، مترجم و مفسر قرآن. (۱۲۷۳ هـ.ش / ۱۳۶۸ هـ.ش).			زن کمبوجیه، دختر هوتن.
♂ Rahi	رهی	♀ Razmā	رَزما
تخلص محمدحسن ممبیری، غزلبرداز معاصر (۱۲۸۸ تا ۱۳۴۷ هـ.ش).			دختر قائم در سمک عیار.
		♂ Razmiyā	رزهیما
			پسر کانون، سپهسالار ماجین، در سمک عیار.
		♀ Roksāne, Rowšanak	رکسانه، روشنگ
			همسر زیبای اسکندر. رکسانا.
		♂ Ramak-tur	رَمک‌تور
			یکی از نیاکان فریدون پیشدادی.
		♂ Rozās	روزاس
			برادر ستیریات، داماد داریوش سوم، در جنگ با اسکندر کشته شد.
		♀ Ruz-āfzun	روزافزون
			دخت کانون، سپهسالار ماجین، در سمک عیار.
		♂ Ruzbeh	روزبه
			نام مستعار عبدالله بن مقفع، دانشمند شهیر ایرانی.
		♂ Rušāk	روشاک
			از سرداران ایرانی در جنگ با اسکندر.
		♂ Rohān	رُهان
			نام یکی از سرداران پارسی در جنگهای باختر. نیز، پهلوان لشکر ارمنشاه در سمک عیار.
		♂ Rahrow	رهرو
			پهلوان لشکر ارمنشاه در سمک عیار.
		♂ Zāb	زاب
			هشتمین پادشاه پیشدادی، پسر نوذر و پدر گرشاسب.
		♂ Zāturdāt	زاتوردات
			شاه پارس.
		♂ Zādān	زادان
			پدر شهریار از زرتشتیان کازرون.
		♂ Zādānfarrox	زادان فرخ
			سر نگهبان کاخ خسرو پرویز.
		♂ Zādbeh	زادبه
			تنی از بیست و پنج تن ملوک حیره ایرانی در عهد ساسانی.
		♂ Zāduye	زادویه
			رجل سیاسی مقتدر یزدگرد سوم. از مترجمان نامدار پهلوی به عربی، پسر شاهویه اصفهانی.
		♂ Zādi	زادی
			بزرگی در عهد ساسانی.
		♂ Zepir	زپیر

ز

تبی از هفت سردار ایرانی که داریوش اول را به سلطنت رساند.

زرشام Zāršām ♀
دختری از خاندان جمشید کیانی.

زرمهر Zarmehr ♂
از رجال معروف خاندان قارن در دوره ساسانی.

زرنده Zarand ♂
طبیعی در سمک عیار که وی را درمان کرد.

زرین Zarrin ♀
بانویی از شهر خاورکوه در سمک عیار.

زلیخا Zoleyxā ♀
همسر عزیز مصر که شیفته یوسف شد.

زنبق Zanbaq ♀
دختر قباد، پدر انوشیروان دادگر.

زیبا Zibā ♀
شهدخت سراندیب و دلدادۀ خرم در منظومۀ خرم و زیبا.

زیتون خاتون Zeytunxātun ♀
همسر ارسلان شاه اول پادشاه سلسله سلاجقه کرمان. نام اصلیش عصمة الدین.

زیرک Zirak ♂
عیاری از یاران سمک عیار.

زین آوند Zin-āvand ♂
دارندۀ زین و سلاح. لقب تهمورث پادشاه باستانی.

زینب Zeynab ♀
درختی خوش منظره و خوش رایحه. نام

خواهر امام حسین (ع) بانویی که در تاریخ اسلام مقام شامخی دارد.

ژ

ژیگس Žiges ♂
پدر میرسوس سردار پارسی در عهد داریوش هخامنشی.

سی

ساتیار Sātiyār ♂
نام یکی از سرداران داریوش. نیز نام ده کوچکی در بخش بانه.

ستار Sattār ♂
(پوشاننده). یکی از صفات الهی. نیز نام یکی از سرداران مشروطه در ایران.

ساروی Sāruy ♂
برادر اسپهبد فرخان حاکم پادشاه مازندران. نام شهر ساری را اسپهبد نامبرده به پاس خدمات برادرش سارویه نامیده شده است.

ساسان Sāsān ♂
جد اردشیر بابکان، مؤسس سلسله ساسانیان. تولیت پرستشگاه آناهید را داشته است.

ساکاس Sākās ♂
از درباریان آستیاگ، شاه ماد.

سالار Sālār ♂
پسر وشمگیر زیاری.

سامان Sāmān ♂
نای سامانیان. نیز مرد سپاهی لشکر ماجین

در سمک عیار. **سمران** Samrān ♂
سامانه Sāmāne ♀
مردی در سمک عیار.

همسر لهرویه که سمک را نجات داد. **سمک عیار** Samake'ayyār ♂
سامبیکه Sāmbike ♀
سمک عیار نام داستان عامیانه فارسی، شرح دل‌ورنیا و جوانمردیها و زیرکیها و تدبیرهای عیاری به نام سمک قهرمان داستان.

همسر قباد شاه ساسانی. **سپاکو** Sepāku ♀
نام همسر مهرداد چوپان که کورش را پرورش داد.

سپنسار Sepansār ♂
سپسالار خسرو پرویز.

سپهر داد Sepehr-dād ♂
داماد داریوش هخامنشی.

سپیتامان Sepitāman ♂
سردار ایرانی، سلوکوس سردار اسکندر دخترش را به همسری گرفت.

سپینود Sepinud ♀
نام همسری از همسران بهرام گور.

ستاره Setāre ♀
مادر ابوعلی سینا.

ستی خاتون Setixātun ♀
دختر سنجر.

سرکش Sarkaš ♂
موسیقیدان دربار خسرو پرویز.

سرو آزاد Sarvāzād ♀
دختری از مردم آذرآبادگان در ویس و رامین.

سروناز Sarvnāz ♀
دختری در داستان سمک عیار.

سوسنک Susanak ♀
نام دختر آسیابان که بهرام گور شیفته وی

سمران

مردی در سمک عیار.

سمک عیار

سمک عیار نام داستان عامیانه فارسی، شرح دل‌ورنیا و جوانمردیها و زیرکیها و تدبیرهای عیاری به نام سمک قهرمان داستان.

سمنرخ

دختر سپهل جهانسوز در های و همایون.

سمنزار

دختر فففور چین در های و همایون.

سمنگان

برادرزاده غاطبوش و از لشکریانش در سمک عیار.

سنباد

نام مستعار فیروز، دلور نیشابوری سده دوم، پس از ابومسلم و به خونخواهی او برچم قیام علیه خلیفه منصور برافراشت.

سنتروک

از سلاطین اشکانی.

سندوس

خواهر خشایارشا.

سورن

از خاندانهای هفتگانه ممتاز عهد اشکانیان.

سورنا

سردار پارتی زمان اشک سیزدهم که در جنگ ایران و روم، کراسوس سردار بزرگ رومی را شکست داد.

سوسنک

نام دختر آسیابان که بهرام گور شیفته وی

♂ Šadak	شادک	شد.
♂ Sibavayh (Sibuye)	سیبویه	(سیب کوچک یا بوی سیب). لقب ابویشر عمروبن عثمان فارسی بیضاوی، حکیم ایرانی، عالم در نحو عربی.
♂ Šāvarān	شاوران	پدر شمس خاوری در داستان همای و همایون.
♂ Šāvag	شاوگ	پادشاه کوشان در زمان خسروپرویز.
♀ Šāhāfarid	شاه آفرید	دختر فیروزین یزدگرد شهریار.
♂ Šāhān	شاهان	مرد سپاهی از لشکر قزل ملک در سمک عیار.
♀ Šāhparand	شاه پرند	بانوی ایرانی، نوه یزدگرد سوم ساسانی.
♂ Šāhpur	شاهپور	نام سه تن از شاهان ساسانی.
♀ Šāhpunc	شاهپونه	نوه یزدگرد.
♂ Šāhjahan	شاه جهان	پسر جهانگیر از پادشاهان سلسله بابی و از نوادگان امیر تیمور گورکان.
♂ Šāhqoli	شاهقلی	شاهقلی تبریزی. نقاش معروف ایران عهد صفویه.
♂ Šāhak	شاهک	از پهلوانان مرزبان شاه در سمک عیار.
♂ Šāhuy	شاهوی	عیاری از یاران سمک عیار.
♂ Šahāyeh	شاهیه	نام مستعار سمک در سمک عیار.
♂ Šāhin	شاهین	نام بیست و دو تن از سران و ناموران ایرانی.
♂ Šabak	شَبک	نام طایفه‌ای است که ظاهراً مقارن آغاز عهد صفویه به موصل آمده‌اند.
♂ Šebli	شِبلی	عارف معروف. منسوب به شبله، از قراء ماوراءالنهر. اصل وی از اسروشنه (خراسان). از وی جمله‌ها و عبارات عارفانه بسیار مأثور است. (۲۴۷ هـ ق / ۳۳۴ هـ ق)
♂ Šervān	شروان	از پهلوانان مرزبان شاه در سمک عیار.
♂ Šarvin	شروین	دو تن از سلاطین آل باوند طبرستان. نیز، نام سرداری همعصر شاپورین شاپور ساسانی و همچنین عیاری از یاران سمک.
♀ Šekar	شکر	همسر اصفهانی خسروپرویز. نیز، کنیز جمشید در داستان جمشید و خورشید.
♂ Šahbān	شهبان	برادر زرین ملک در داستان ملک بهمن.
♂ Šahdād	شهداد	نامی که کانون، سپهسالار ماچین، در داستان سمک عیار بر خود نهاد.
♂ Šahrān	شهران	نام وزیر ولید خالد.
♀ Šahrbānu	شهربانو	دختر یزدگرد سوم که به همسری امام حسین (ع) درآمد.
♀ Šahrzād	شهرزاد	راوی هزارویکشب.
♀ Šahrnuš	شهرنوش	حکمرانی از ملوک طبرستان.
♀ Šahru	شهرو	نام مادر برزویه پزشک و نیز مادر ویس معشوقه رامین.
♀ Šahrūye	شهرویه	دخت خسروپرویز، خواهر پوراندخت.
♂ Šahmardān	شهمردان	شهمردان رازی پسر ابوالخیر، اخترشناس و ریاضیدان ایرانی سده پنجم هجری.
♀ Šahnāz	شهناز	چنگ نواز داستان گل و نوروز.
♂ Širāk	شیراک	پدر هرمز کنده گرکتیبه زرتشت.
♂ Širbāzu	شیربازو	مبارزی در داستان خرّم و زیبا.
♂ Širzād	شیرزاد	جارچی روزگار انوشیروان.
♂ Širūye (Širuy)	شیرویه یا شیروی	همان قباد یا عباد پسر خسروپرویز، شاه ساسانی که چند ماهی پس از پدر سلطنت کرد.
♀ Širin	شیرین	

ش

♂ Šādāb	شاداب	نام سخوری بوده است.
♀ Šād baxt	شادبخت	مردی سپاهی از لشکر ماچین در سمک عیار.
♀ Šādbahr	شادبهر	زنی در عهد بهمن اسفندیار.
♂ Šādtagin	شادتگین	از امرای دربار خوارزمشاه.

♂ Šāhuyeh	شاهویه	پدر زادویه.
♂ Šāhin	شاهین	نام بیست و دو تن از سران و ناموران ایرانی.
♂ Šabak	شَبک	نام طایفه‌ای است که ظاهراً مقارن آغاز عهد صفویه به موصل آمده‌اند.
♂ Šebli	شِبلی	عارف معروف. منسوب به شبله، از قراء ماوراءالنهر. اصل وی از اسروشنه (خراسان). از وی جمله‌ها و عبارات عارفانه بسیار مأثور است. (۲۴۷ هـ ق / ۳۳۴ هـ ق)
♂ Šervān	شروان	از پهلوانان مرزبان شاه در سمک عیار.
♂ Šarvin	شروین	دو تن از سلاطین آل باوند طبرستان. نیز، نام سرداری همعصر شاپورین شاپور ساسانی و همچنین عیاری از یاران سمک.
♀ Šekar	شکر	همسر اصفهانی خسروپرویز. نیز، کنیز جمشید در داستان جمشید و خورشید.
♂ Šahbān	شهبان	برادر زرین ملک در داستان ملک بهمن.
♂ Šahdād	شهداد	نامی که کانون، سپهسالار ماچین، در داستان سمک عیار بر خود نهاد.
♂ Šahrān	شهران	نام وزیر ولید خالد.
♀ Šahrbānu	شهربانو	دختر یزدگرد سوم که به همسری امام حسین (ع) درآمد.
♀ Šahrzād	شهرزاد	راوی هزارویکشب.
♀ Šahrnuš	شهرنوش	حکمرانی از ملوک طبرستان.
♀ Šahru	شهرو	نام مادر برزویه پزشک و نیز مادر ویس معشوقه رامین.
♀ Šahrūye	شهرویه	دخت خسروپرویز، خواهر پوراندخت.
♂ Šahmardān	شهمردان	شهمردان رازی پسر ابوالخیر، اخترشناس و ریاضیدان ایرانی سده پنجم هجری.
♀ Šahnāz	شهناز	چنگ نواز داستان گل و نوروز.
♂ Širāk	شیراک	پدر هرمز کنده گرکتیبه زرتشت.
♂ Širbāzu	شیربازو	مبارزی در داستان خرّم و زیبا.
♂ Širzād	شیرزاد	جارچی روزگار انوشیروان.
♂ Širūye (Širuy)	شیرویه یا شیروی	همان قباد یا عباد پسر خسروپرویز، شاه ساسانی که چند ماهی پس از پدر سلطنت کرد.
♀ Širin	شیرین	

سوگلی خسروپرویز.

سراسر دورهٔ سلاحه. نیز، دکتر موسی عمید، استاد دانشگاه و عالم حقوق که از مؤسسان سازمان یونسکو در ایران بود. (۱۲۸۷ هـ.ش / ۱۳۴۲ هـ.ش)

ط

طرب

♂ Tarab

طرب نایینی، شاعر معاصر، پدر استاد جلال‌الدین همایی (ستا).

ظ

ظهیر

♂ Zahir

ظهیر فاریابی شاعر فارسی زبان وفات ۵۹۸ هـ.ق.

ع

عارف

♂ 'Aref

تخلص ابوالقاسم قزوینی. شاعر و موسیقیدان و آزادیخواه معاصر.

عایشه

♀ 'Ayeše

سرشار از زندگی، نام همسر رسول اکرم (ص).

عبرت

♂ Ebrat

عبرت نایینی. غزلسرا و خوشنویس.

عطار

♂ 'Attār

شهرت و تخلص شیخ فریدالدین محمدابن ابراهیم نیشابوری معروف به شیخ عطار. (حدود ۵۴۰-۶۱۸ هـ.ق) نویسنده و شاعر صوفی مشرب ایران.

عمید

♂ 'Amid

سرور، مهتر، عنوان اداری عالی در سازمان حکومتی سامانیان و غزنویان، و نیز در

کشته شد.

یکی از خاندانهای بزرگ عهد اشکانیان. از نجای ایرانی در عهد یزدگرد ساسانی.

فرسمن

♂ Farasman

دوراندیش. از شاهزادگان اشکانی.

فرشاد

♂ Farsād

پدر بهرام کوچک از شاگردان دستور آذرکیوان.

فرناباز

♂ Farnābāz

والی ایرانی آسیای صغیر در زمان داریوش دوم و اردشیر دوم.

فرنام

♂ Farnām

از سرداران شاپور.

فرنیوش

♂ Farniuš

پسر وزیر فغفور چین در داستان همای و همایون.

فرورتیش

♂ Faravartiš

دومین شاه سلسلهٔ ماد پس از دیاکو و پسر او.

فرهادک

♂ Farhādak

فرهاد پنجم معروف به فرهادک.

فرهنگ

○ Farhang

مادر کیکاوس. ابوالقاسم بن (میرزا) محمد شفیح وصال، شاعر و نویسندهٔ دورهٔ قاجاریه.

فورک

♀ Furak

زن بهرام گور.

فیروزدخت

♀ Firuzdoxt

دختر فیروز اول.

ق

قارن

♂ Qāran

ک

کارین

○ Kārin

یکی از هفت خاندان نامی روزگار اشکانیان.

کاساندان

♀ Kāsāndān

همسر کورش کبیر و مادر کمبوجیه و بردیا.

کاکویه

♂ Kākuyē

امریایی که از منسوبان آل‌بویه بوده‌اند.

کامگار

♂ Kāmgar

نبیرهٔ یزدگرد سوم ساسانی و سردودمان خاندان کامگاریان. نیز کامکار.

کامیار

♂ Kāmyār

کمال‌الدین کامیار از بزرگان عهد سلجوقی و شاگرد شیخ شهاب‌الدین سهروردی.

کاویان

♂ Kāviyān

درفش نامی کاوه.

کبوجیه، کمبوجیه

♂ Kabujiye, Kambujiye

تنی چند از امیران و شاهان سلسلهٔ هخامنشی.

کبودجامه

♂ Kabudjāme

کبودجامگان حدود ۶۰۰ هـ.ق. بین استراباد و خوارزم سکونت داشته‌اند.

♀ Katāne	کتابه	♀	گوزسب	♂ Gorzasb	گوزسب
	سردسته شورشیان پارتی گن.				از سران سپاه شاپور پسر اردشیر ساسانی در نبرد او با رومیان.
♂ Karisān	کریسان	♀	گوشیز، گوشیز	♀ Garšez, Garšiz	گوشیز، گوشیز
	از پهلوانان دره حورجان در سمک عیار.				نام بانویی اشکانی.
♂ Kasrā	کسری	♂	گوشسب	♂ Gošasb	گوشسب
	نامی عام برای پادشاهان ساسانی بویژه انوشیروان و پرویز.				دبیر فرزانه یزدگرد اول.
♂ Kašam	کشم	♀	گل	♀ Gol	گل
	دخت فرهاد چهارم اشکانی که اردشیر بزرگ اسپهبد ایران را به همسری برگزید.				نام دختری است در ویس و رامین.
♂ Kolu'esfandiār	کلواسفندیار	♀	گلاب	♀ Golāb	گلاب
	از امرای سربداران در سال ۷۴۷ ه.ق.				نام دختری است در ویس و رامین.
♂ Kuroš	کوروش	♀	گلبدن بیگم	♀ Gol badan-beygom	گلبدن بیگم
	دو تن از شاهان هخامنشی.				حدود ۲۹۲ - ۱۰۱۱ ه.ق. دختر ظهیرالدین محمد بابر، متولد خراسان. مادرش دلدار بیگم. از اعقاب شیخ احمد جام (ژنده پیل) بود. فارسی و ترکی را خوب می دانست و خوش خط بود. خاطراتش را با عنوان همایون نامه یا احوال همایون پادشاه نوشت. نسخه ناقص آن در موزه بریتانیا موجود است.
♂ Kušyār	کوشیار	♀	گلبن	♀ Gol bon	گلبن
	کوشیار این لیلای جیلی رو نقش ۳۶۰ - ۴۲۰ ه.ق، ریاضیدان و منجم ایرانی از مردم گیلان.				دختر حسینقلی خان برادر فتحعلی شاه، بانوی چکامه سرا.
♂ Keyugi	کی اوگی	♀	گل بهار	♀ Gol bahār	گل بهار
	نامی از خاندان کیانی.				بانویی در داستان سمک عیار.
♂ Kiyus	کیوس	♀	گل بهشت	♀ Gol behešt	گل بهشت
	برادر انوشیروان ساسانی و پسر قباد که سرانجام به دست انوشیروان کشته شد.				کنیزی زیبا در دربار علاءالدین پادشاه دهلی.
		♀	گل پناه	♀ Golpanāh	گل پناه
					پناه دهنده گلها، پناهانده میان گلها.

گ

♀ Gordiya(e)

گردیه

خواهر سلحشور بهرام چوبینه که با شورش بهرام بر ضد خسرو پرویز مخالف بود و سرانجام نیز همسر خسرو شد.

♂ Geomāt, Gomātā	گئومات، گوماتا	♂	گل پیرهن	♀ Golpirhan	گل پیرهن
	مثنی که به جای کمبوجیه بر تخت نشست و کمبوجیه هنگام بازگشت از مصر با شنیدن این خبر خشمگین شد و در شام (سوریه) خودکشی کرد.				شهبانوی ایرانی تبار هندوستان.
♀ Gowharnasab	گوهرنساب	♀	گل چهره	♀ Golčehre	گل چهره
	نواده دختری سنجر و دختر سلطان محمود این ملکشاها. (قرن ششم ه.ق.)				از همسران فتحعلی شاه.
♀ Golxandān	گل خندان	♀	گل خندان	♀ Golxandān	گل خندان
					ندیم ملوک سومنات در حکایت طوطی نامه.
♀ Golšāh	گلشاه	♀	گلشاه	♀ Golšāh	گلشاه
					دلدادۀ ورقه، در داستان ورقه و گلشاه.
♂ Golšan	گلشن	♂	گلشن	♂ Golšan	گلشن
					سعدالله گلشن شاعر سده یازدهم. نیز، محمدعلی گلشن شاعر و پدر قانی.
♂ Golfām	گلفام	♂	گلغام	♂ Golfām	گلغام
					غلامی دبیر در داستان خرّم و زیبا.
♀ Golgun	گلگون	♀	گلگون	♀ Golgun	گلگون
					دختری در ویس و رامین.
♀ Golnār	گلنار	♀	گلنار	♀ Golnār	گلنار
					کنیز اردوان اشکانی. نیز، زنی در سمک عیار.
♀ Gowharxātun	گوهرخاتون	♀	گوهرخاتون	♀ Gowharxātun	گوهرخاتون
					همسر محمد این ملکشاها سلجوقی.
♀ Gowharšād	گوهرشاد	♀	گوهرشاد	♀ Gowharšād	گوهرشاد
					همسر شاهرخ تیموری. در آبادی خرایبهای امیر تیمور به اتفاق شوهرش کوشید و در خراسان مدارس و مساجد متعدد ساخت که از همه معروفتر مسجد گوهرشاد است.
♀ Māndān, Māndānā	ماندانا، ماندانا	♀	گوهر مراد	♀ Māndān, Māndānā	گوهر مراد
					کتابی به فارسی در حکمت و کلام مذهب.
♂ Māziyār	مازیار	♂	ماسویه	♂ Māsuyē	ماسویه
					پسر غارن، حاکم طبرستان. در اوایل سده سوم علیه خلیفه قیام کرد.
♂ Māsuyē	ماسویه	♂	لیام	♂ Liyām	لیام
					داروساز بیمارستان جنیدی شاپور در دوران هارون الرشید.
♂ Lišām	لیشام	♂	لیشام	♂ Lišām	لیشام
					لیشام دیلمی، سده سوم ه.

ل

م

♂ Mehrasp	مهرسپ	دایه «آباندخت»، همسر خورشیدشاه در سمنگ عیار.
♂ Mehr-farnā	مهرفرنا	حکیمی در داستان گل و نوروز.
♂ Mehraq	مهرک	سیزدهمین شاه ماه.
♂ Mehraq	مهرک	از بزرگان جهرم که از غفلت اردشیر بابکان بهره جست و گنج او را به تاراج برد. از این رو به دست اردشیر کشته شد.
♀ Mehrnegār	مهرنگار	واژه‌ای است پهلوی به معنای غنچه نرگس.
♀ Mahruye	مهرویه	دخت یزداد پسر انوشیروان ساسانی.
♀ Mahruye	مهرویه	در داستان سمنگ عیار، سمنگ را از مرگ رها کرد.
○ Mehryār	مهریار	وزیر انوشیروان ساسانی.
○ Mehryār	مهریار	نام یکی از دانشمندان پارسی.
♀ Mahast	مهست	نام پسر داریوش بزرگ.
♀ Mahasti	مهستی	از خاندانهای هفتگانه عهد ساسانی، خزانه‌دار بزرگ و مؤید انوشیروان. نیز، حکیم ایرانی.
♂ Mehmarđ	مهمرد	مهر اورنگ
♂ Mehmarđ	مهمرد	در داستان خرّم و زیبا به دست خرّم کشته شد.
♀ Mahnuš	مهنوش	مهربان
♀ Mahnuš	مهنوش	دلباخته مهر در داستان: گل و نوروز.
○ Mitradāt	میتردادات	مهر بُد
○ Mitradāt	میتردادات	از نامهای دوران هخامنشی.
○ Mitradāt	میتردادات	داده شده میترا خدای آفتاب. نام یکی از نزدیکان کوروش.
♀ Nāzparvard	نازپرورد	مهرداد
♀ Nāzparvard	نازپرورد	داده مهر. پسر خسرو پرویز. نیز تنی چند از شاهان اشکانی.

ن

هخامنشی. ماندو، ماندوی

♀ Māndu, Mānduy	ماندو، ماندوی	هخامنشی.
○ Māhuy	ماهوی	فرزند بهرام نیشابوری و از دستیاران ابومنصور در گردآوری شاهنامه ابومنصوری.
♂ Māhyār	ماهیار	وزیر داریوش اول.
♀ Mediyā	مدیا	همسر آخرین پادشاه ماد.
♂ Martiye	مرتیه	مردی پارسی که بر داریوش شورید و خود را پادشاه خوزستان خواند.
♂ Mard-āviz	مرد آويز	عیاری در سمنگ عیار. نیز، بنیانگذار سلسله آل زیار مرداویج.
♂ Mardxāy	مردخای	عم استر، همسر خشایارشا. کتاب استر از اوست.
♂ Marzbān	مرزبان	مؤلف کتاب مرزبان‌نامه.
♂ Mazdak	مزدک	انقلابی بزرگ زمان قباد ساسانی، مدعی پیامبری.
♀ Mošk	مُشک	از دلدادگان بهرام گور.
♂ Moškān	مشکان	ابونصر مشکان نخستین دبیر سلطان محمود غزنوی.
♀ Moškuye	مشکویه	یکی از شاهان سکنای پنجاب در دوران
♀ Mānušān	مانوشان	پادشاه کرمان در عهد باستان.
♂ Māni	مانی	بنیانگذار آیین مانوی با پیوند آیین زرتشتی و بودایی و مسیحی، دینی نو پدید آورد. وی برای آموختن اصول آیین خود به مردم بیسواد، کتابهایش را با تصاویر زیبا جلوه‌گر می‌ساخت. به همین سبب او را مانی نقاش هم گفته‌اند.
♂ Māhāzar	ماه‌آذر	از دلاوران انوشیروان ساسانی و برادرزاده سلمان فارسی.
♂ Māhān	ماهان	پسر کیخسرو و پسر اردشیر.
♀ Māhāne	ماهانه	دخت ارمنشاه، شاه ماچین در سمنگ عیار.
○ Māhbarzin	ماه برزین	از بزرگان عهد ساسانی.
♀ Māhroxsār	ماه رخسار	ماه رخسار خانم، دخت عباس میرزا.
♀ Māhsotun	ماه سَتون	بانوی ارمنشاه و ملکه چین در سمنگ عیار.
♀ Māhšekar	ماه شکر	زنی در کتاب طوطی‌نامه.
♀ Māhak	ماهک	یکی از شاهان سکنای پنجاب در دوران

♂ Nowruz	نوروز	مونس ملکه پریان در داستان جمشید و خورشید.
♀ Nāzpari	نازپری	زن بهرام گور، دختر پادشاه خوارزم.
♀ Nušāfarin	نوش آفرین	بانوی کتاب نوش آفرین و گوهر تاج.
♀ Nāzdel bar	نازدلبر	دختری در ویس و رامین.
♂ Nuš-zād	نوش زاد	پسر انوشیروان ساسانی از همسری مسیحی که در بزرگی به دین مادر گروید و به فرمان پدر در جندی شاپور به زندان افکنده شد.
♀ Nowšid	نوشید	مادر مانی.
♂ Nersi	نرسی	پسر شاهپور، نواده اردشیر بابکان.
♀ Nasāk	نساک	همسر سیامک، پسر کیومرث پیشدادی.
♂ Nikāxtar	نیک اختر	وزیر پادشاه بربز.
♂ Nikdād	نیک داد	دختر پادشاه قفقاز و همسر وزیر شهزاده ایرانی.
♂ Nikrāy	نیکرای	نیکرای نهری، همعصر ابومسلم خراسانی.
♀ Nasrinnuš	نسرین نوش	دخت شاه سقلاّب و همسر بهرام گور.
♂ Nāstud	نستود	پسر خسرو پرویز از شیرین، بستور نیز گفته شده است.
♀ Naksisā	نکسیسا	موسیقیدان زمان خسرو پرویز.
♂ Nastuh	نستوه	یکی از سرداران منوچهر.
♀ Nāzdel bar	نازدلبر	دخت شاه سقلاّب و همسر بهرام گور.
♂ Nivāndoxt	نیواندخت	مادر انوشیروان، زن قباد.
♀ Nāzyāb	نازیاب	دختر آسیابانی در دوران بهرام گور.
♂ Nāmju	ناهجو	محمد نامجو، قهرمان افتخار آفرین وزنه برداری ایران.
♀ Nowbahār	نوبهار	نویسنده ساتیر در سال ۳۵۹ ه. ق.
♂ Notrān	نوتران	پدر کیقباد به روایت مورخان اسلامی.

♂ Vehukā	وهوکا	♂ Niyuš	نیوش
♀ Veys	ویس	♀ Vātān	واتان
♂ Vispār	ویس پار	♂ Vāta	واته
♂ Vihān	ویهان	♂ Vānitār	وایتار
♀ Hājar	هاجر	♂ Vardān	وردان
♂ Hāmān	هامان	♂ Varzā	ورزا
♂ Hožabr	هژابر	♂ Verzent	ورزنت
♂ Homāyun	همایون	♂ Vereks	ورکس
♂ Hamdāt	همدات	♀ Vašti	وشتی
♂ Hamgar	همگر	♂ Vomisah	ومیسه
♀ Hutāne	هوتانه	♂ Vandādmehr	وندادمهر
		♂ Vandādhormoz	ونداد هرمز

اندریشمند. لقب اردشیر سوم.
دخت قارن و شهره. دلدادۀ رامین.
سرودمان خاندانی از هفت خاندان بزرگ هخامنشی.
فرشته پشتیبان باد. نیز، وات.
یکی از دو پسر ایرج.
از سلاطین اشکانی.
پسر فرشید، پسر لهراسب.
یکی از بزرگان هخامنشی.
از پادشاهان نامی اشکانی.
همسر خشایار شاه هخامنشی.
از سرداران پارسی داریوش بزرگ.
از پادشاهان طبرستان. فرزند قارن.
فرزند سوخرا، نوه قارن و از امیران نیک طبرستان.

سردودمان یکی از هفت خاندان اشرافی هخامنشی.	تنی چند از شاهان ساسانی.
هو تن	یلان
از یاران داریوش هخامنشی.	شحنه ییابان خورجان در سمک عیار.
هوچیتار	یلمان
نیک فطرت، برگزیده. نام پسر گودرز.	مانند یل. نام پدر بندار، از بهدینان خراسان.
هووی	یوتاب
برادرزاده جاماسپ، وزیر گشتاسپ، دختر فرشوستر.	نام خواهر آریو برزن.
هیراد	یوشیج
دارائی، ثروت. فرماندار ارمنستان.	وابسته به ده یوش. تخلص شاعرانه علی اسفندیاری.

نقش آفرینان نگاهبانی از زبان پارسی در شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی، که حماسه ملی ایران، به زبان فارسی و منظوم در بحر متقارب است، متعلق به اواخر قرن چهارم ه.ق و شامل روایات اساطیری و پهلوانی و تاریخی ایران از عهد کیومرث تا پایان روزگار یزدگرد سوم ساسانی است.

شاهنامه نمایانگر شکوه پارسی و زبان آوری فردوسی است. مآخذ عمده آن ظاهراً شاهنامه منثور ابومنصوری بوده که قسمتی از مقدمه آن هنوز باقی است. فردوسی داستانهای این کتاب را با نهایت دقت به نظم درآورده و سعی داشته چیزی از اصل آن نکاهد. گذشته از این افسانه‌های حماسه‌ای که شرح جنگهای ایرانیان با اقوام تورانی است، وقایعی از دوره ساسانیان، که چیزی بین تاریخ و افسانه به نظر می‌رسد، در شاهنامه آورده شده است.

شاهنامه ابومنصوری به امر ابومنصور توسی، والی توس و سپهسالار خراسان، به دستگیری چهارتن از موبدان زرتشتی خراسان و سیستان، و تحت نظارت وزیر او تدوین شده و ظاهراً مبتنی بر مجموعه‌ای از روایات خدای نامک و کتابهای دیگری مانند ایاتکار زبیران، کارنامه اردشیر بابکان و داستان بهرام چوبین بوده است.

نسخه نهایی شاهنامه در سال ۴۰۰ ه.ق به پایان رسیده و تهیه آن بنا بر مشهور ۲۵، ۳۰ یا ۳۵ سال طول کشیده است. به حکم برخی شواهد و قرائن، شاهنامه در اصل شامل ۶۰، ۰۰۰ بیت بوده است اما

ی

یادگار	یادگاریک، امیری شاعر در سده نهم.
یارخ	عیاری جوان از ماچینیان در سمک عیار.
یزداد	فرزند خسروانوشیروان، پدر مهاندخت و مادر فیروز شاه ساسانی.
یزدان بخت	بزرگ فرقه مانویه در زمان مأمون.
یزدان بخش	وزیر هرمز، پسر انوشیروان ساسانی.
یزدان داد	دخت خسرو اول انوشیروان ساسانی.
یزدگرد	

اکنون تعداد ابیاتی که به این مقدار نمی‌رسد.
فردوسی نیز چون بیشتر بزرگان علم و هنر، در زمان خود،
برخوردار از مقام و منزلتی شایسته خویش نبوده است.

♂ Avgān	آوگان		
	سردار سپاه فریدون پیشدادی.		
♂ Āva	آوه	آ	
	از سران سپاه کیخسرو.		
♂ Ātbin (Ābtin)	آتبین (آبتین)		
	(نیکو چهره). نام پدر فریدون در داستانهای ملی.		
♂ Āzar-barzin	آذربرزین		
	پسر فرامرز، نوه رستم.		
♂ Āzar-foruz	آذرفروز		
	از پسران اسفندیار.		
♂ Āzin	آذین		
	(آرایش). پسر هرمزان، امیر ایرانی که به جنگ سعد وقاص رفت.		
♂ Arjāsp	ارجاسپ		
	(دارنده اسب راهوار). از بزرگان تورانی و نیره افراسیاب.		
♂ Aržang	ارژنگ		
	(زیست). دیوی که به دست رستم کشته شد. نیز پهلوان تورانی، پسر زره، به دست توس کشته شد.		
♂ Aršan	ارشن		
	نواده کیقباد.		
♀ Arnavāz	ارنواز		
	نام دختر جمشید که او و خواهرش، شهرناز نخست به همسری ضحاک و سپس به همسری فریدون درآمدند.		
♂ Arvand	اروند		
	(چالاک). پسر کی‌بشین، نیز پسر کیقباد و پدر لهراسب.		
	اسپنوی، اسپینو		
♀ Espenoy, Espino			
	در افسانه‌های ملی، نام کنیزک تژاو، داماد افراسیاب که زنی بسیار زیبا بود و چون تژاو بگریخت، بیژن، فرزند گیو، او را متصرف شد.		
	استنداره، استاندار		
♂ Estandār, Estāndār			

♀ Āzarmidox
(دخت همیشه جوان). دخت خسرو پرویز که چند ماهی صاحب تاج و تخت بود.
♂ Āžangčehr
(پُرچین چهر). لقب راد برزین.

پهلوانی تورانی در لشکر افراسیاب.

اسفندیار ♂ Esfandyār

(آفریده خرد پاک). پهلوان روین تن اساطیر ایرانی که مرگ در چشمش نشست.

اشکبوس ♂ Aškbus

رزمنده تورانی که به یاری افراسیاب به میدان آمد و به دست رستم کشته شد.

افراسیاب ♂ Afrāsyāb

شاه توران که زمانی دراز با ایرانیان در ستیز بود و به دست کیخسرو کشته شد.

افری ♀ Afri

آفرین، دخت سیامک، پسر مشی، پسر کیومرث.

الکوس ♂ Alkus

پهلوان تورانی، به دست رستم کشته شد.

الوا ♂ Alvā

پهلوان زابلی و نیزه‌دار رستم، به دست گاموس کشته شد.

اندریمان ♂ Andarimān

پهلوان تورانی، کشته گرگین در جنگ دوازده رخ.

اندیان ♂ Andiān

از سرداران خسرو پرویز در جنگ با بهرام چوبینه. نیز، اندمان (Andaman).

اورند ♂ Owrān

فر و شوکت، پسر کی‌پشین و پدر لهراسب.

ایرج ♂ Iraj

جوانترین فرزند فریدون که دو برادر بزرگترش (سلم و تور) به تبانی او را کشتند.

ایزد گشسپ ♂ Izad-gošasp

از دانشمندان دربار انوشیروان. نیز، سرداری از ایرانیان که در شورش بهرام چوبینه بر خسرو پرویز به یاری بهرام برخاست و با خسرو جنگید.

ایلا ♂ Ilā

پهلوانی از لشکر افراسیاب.

ب

بارمان ♂ Bārmān

پهلوان تورانی که در جنگ دوازده رخ کشته شد.

بازرو ♂ Bāzru

یکی از افراد سپاه توران.

بانورام ♀ Bānurām

نام خواهر گیو، زن رستم زال.

بانو گشسب ♀ Bānugošasb

دختر رستم و زن گیو و مادر بیژن، یکی از زنان پهلوان ایران.

باورد ♂ Bāvārd

یکی از فرزندان گودرز و برادران گیو.

برانوش ♂ Barānuš

سپهدار و یاور قیصر روم در جنگ او با شاپور پسر اردشیر ساسانی. ← بزانش (Bazānuš).

برتاس ♂ Bartās

مبارز تورانی.

برته ♂ Borte

پهلوانی ایرانی که در جنگ یازده رخ با کهرم روبرو شد و او را با شمشیر به دو نیم کرد.

برجاسپ ♂ Borjāsp

مبارزی تورانی که با پیران فرزند ویسه، سالار لشکر افراسیاب، به جنگ گودرز، سپهسالار لشکر ایران رفت.

برزو ♂ Borzu

پسر سهراب.

بُرزویلا ♂ Borzoilā

مبارز تورانی در لشکر افراسیاب.

بَرزین ♂ Barzin

فرزند گرشاسب و از نوادگان جمشید.

بُستور ♂ Bostur

پسر زریر، برادر گشتاسب و عموی اسفندیار. پسر خسرو پرویز ساسانی.

به آفرید ♀ Behāfarid

خواهر اسفندیار روین تن.

بهزاد ♂ Behzād

(نژاد نیک). اسب سیاوش.

بهمن ♂ Bahman

پسر اسفندیار. جانشین پدر بزرگ خود گشتاسب شد.

بیدرفش ♂ Biderafš

پهلوانی در لشکر ارجاسپ تورانی، همعصر گشتاسب و اسفندیار.

بیژن ♂ Bižan

پسر گیو و دخترزاده رستم.

بیورد ♂ Bivard

سپاهی مرد لشکر توران.

بیورسپ ♂ Bivarasp

(دارنده ده هزار اسب). لقب ضحاک.

بیگاو ♂ Bigāv

پهلوانی در داستان ارجاسپ.

پ

پدرام ♂ Pedrām

شاداب و خرم. نام نیره سام.

پرموده ♂ Parmude

پهلوان تورانی، پسر ساوه شاه.

پریچهر ♀ Paričehr

شهدخت زابل، همسر جمشید.

پریدخت ♀ Paridoxt

دختر شاه چین که سام پسر نریمان عاشق او شد و زال پدر رستم از او زاده شد.

پشنگ ♂ Pašang

در افسانه‌های ملی پدر منوچهر و نیز شاه توران. فرزند زادشم و نواده فریدون و پدر افراسیاب.

پشوتن ♂ Pašutan

برادر اسفندیار.

پشین ♂ Pašin

پسر کیقباد، پدر لهراسب.

پلاشان ♂ Pelāšan

پهلوان تورانی.	یکی از پسران فریدون، نیز سرزمین توران.
پولاد	♂ Pulād پهلوان ایرانی روزگار کیقباد. نام پسر آزادمرد، پسر رستم.
پولادوند	♂ Pulādvand پهلوان تورانی. به جنگ رستم رفت.
پیران	♂ Pirān پسر ویسه سردار افراسیاب. در جنگ یازده رخ به دست گودرز کشته شد.
پیروز	♂ Piruz پسر یزدگرد شاه ایران، نیز تنی چند از شاهان ایران.
پیشداد	♂ Pišdād (قانونگذار نخستین). لقب هوشنگ و فریدون و برخی دیگر از شاهان داستانی ایران.
پیلتن	♂ Piltan لقب رستم.
پیلسم	♂ Pilsom نام برادر پیران ویسه.
ت	
تژاو	♂ Tažāv داماد افراسیاب و پهلوان تورانی که گیو، داماد رستم، او را دستگیر کرد و کشت.
توابه	♂ Tavābe از پهلوانان داستانی ایران و پدر بُرته، که از دلاوران جنگ یازده رخ است.
تور	♂ Tur (جان سپار). نام گروهی از برگزیدگان
توراج	♂ Turaj تورج نام دیگر تور.
تورگ	♂ Turag تورگ نوه جمشیدشاه.
توس (طوس)	♂ Tus پهلوان اساطیری، پسر نودرشاه، سپهسالار گیخسرو و کیکاووس.
تهماسب (طهماسب)	♂ Tahmāsb (دارنده اسب نیرومند). پدر زرو (Zaw) از پادشاهان پیشدادی.
تهمتن	♂ Tahamtan (دارنده تن نیرومند). لقب رستم. نیز لقب اسفندیار، و دیگر پهلوانان.
تهمورث (طهمورث)	Tahmures پدر جمشید از شاهان پیشدادی.
تهمینه	♀ Tahmine دخت شاه سمنگان، زن رستم و مادر سهراب.
تیلمان	♂ Tilmān پهلوان ایرانی در زمان فریدون.
ج	
جانانه	♀ Jānāne نام دایه توراندخت.
جانوسپار	♂ Jānuspār (جان سپار). نام گروهی از برگزیدگان

اسواران در زمان هخامنشیان و ساسانیان.	دستان	♂ Dastān
جریره	♀ Jarire لقب زال پدر رستم.	♂ Dašme
دخت پیران، همسر سیاوش.	دشمه	♂ Jam
جم	♂ Jam پهلوانی ایرانی.	♀ Delārā
مخفف جمشید.	دل آرا	♂ Jamšid
جمشید	♂ Jamšid شاه پیشدادی که ضحاک او را برانداخت، واضح عید نوروز.	♂ Juyā
جویا	♂ Juyā پهلوان مازندرانی که به دست رستم کشته شد.	♂ Rostam
رستم	♂ Rostam (بزرگ پیکر، نیرومندتن). پسر زال، نوه سام و از مردم زابلستان. جهان پهلوان شاهنامه که دارای قدرت فوق بشری بود.	♂ Rošnvād
رشنواد	♂ Rošnvād (راستگویی) سپهسالار همای، دخت بهمن.	♀ Rudābe
رودابه	♀ Rudābe در داستانهای ملی ایران، دختر مهرباب، فرمانروای کابل در پادشاهی منوچهر، و مادر رستم.	♂ Xosrow
خسرو	♂ Xosrow (مشهور). گیخسرو پسر سیاوش شاه سلسله کیانیان. و نیز لقب برخی از شاهان.	♂ Xowzān
خوزان	♂ Xowzān پهلوان ایرانی زمان گیخسرو کیانی.	♂ Rohām
رهام	♂ Rohām پهلوان تورانی، پسر افراسیاب که در جنگ یازده رخ به دست بیژن کشته شد. نیز، پسر پیران ویسه.	♂ Dārāb
داراب	♂ Dārāb نواده دختری بهمن، نوه اسفندیار.	

سرداران بهرام گور.	♂ Rivniz (Riv)	ریونیز (ریو)
داماد توس که در کلات به دست فرود کشته شد.		
ز		
پادشاه پیشدادی، پسر تهماسب و جانشین نوذر.	♂ Zāb	زاب
نام نیای پشنگ، پسر تور.	♂ Zādšam	زادشَم
پسر سام و پدر رستم که سیمرغ او را پرورش داد.	♂ Zāl	زال
دخت رستم دستان.	♀ Zarbānu	زربانو
پسر توس سردار ایرانی عهد کیانیان.	♂ Zarasp	زَرَسپ
دخت ارجاسپ تورانی.	♀ Zarsotun	زَرستون
برادر گشتاسپ. گیاهی که رنگ زرد را از آن گیرند.	♂ Zarir	زَریر
زننده رزم (ژنده رزم)	♂ Zenderazm (Zenderazm)	
(کسی که در رزم قوی است). پهلوان تورانی، برادر تهمینه که به دست رستم کشته شد.		
زننگه	♂ Zangole	

پهلوان تورانی، که در جنگ یازده رخ با فروهل جنگید. و به تیر وی کشته شد.

♂ Zange
از پهلوانان کیخسرو، از هفت پهلوانی که با رستم برای رهایی بیژن از بند افراسیاب به توران رفتند. نیز، زننگه شاوران.

♂ Zavāre
زواره
برادر رستم و از پهلوانان کیخسرو و کیکاووس.

سی

♂ Sām
سام
جهان پهلوان ایرانی، پدر زال و جد رستم. نیز، نام فرزند ارشد نوح که با همسرش به کشتی رفت و از هلاک توفان رهایی یافت.

♂ Sāve
ساره
پهلوان تورانی که در جنگ با رستم کشته شد.

♂ Sepahrom
سپهرم
پهلوانی تورانی، از خویشان افراسیاب که در جنگ یازده رخ هم‌اورد هجیر فرزند گودرز بود و به دست او کشته شد.

♂ Sotuh
ستوه
مردی تورانی که ارجاسپ برای جستجو به ایران گسیل داشت.

♂ Sorxe
سرخه
پسر افراسیاب، به دست رستم کشته شد.

♂ Sarv
سرو
پادشاه یمن که فریدون دختران او را برای سه پسر خود سلم، تور و ایرج گرفت.

یکی از هواخواهان بهرام چوین.	♂ Salm	سلم
سیماه‌برزین	♂ Simāhborzin	یکی از سه پسر فریدون.
یکی از موبدان زمان انوشیروان. هر‌مزد پسر انوشیروان در پادشاهی خویش او را گشت.	♀ Samannāz	سمن‌ناز دختر شهریار زابلستان.
سیندخت	♀ Sindox	سودابه همسر کیکاووس که به سیاوش دل باخت و رستم او را کشت.
همسر شاه مهرباب و مادر رودابه.	♀ Susan	سوسن رامشگری تورانی که چند پهلوان ایرانی را به مکر در بند کرد.
ش		
شاپور	♂ Šāpur	سوفزای وزیر توانمند قباد ساسانی.
پسر نستوه و نواده گودرز و یکی از پهلوانان فریدون و منوچهر که سرانجام در پادشاهی نوذر و در جنگ سوم او با افراسیاب، کشته شد.	♂ Sufzāy	سهراب (صاحب رنگ و روی سرخ). پسر رستم.
شادان‌برزین	♂ Šādānborzin	سهی دختر پادشاه یمن و زن ایرج.
یکی از راویان شاهنامه.	♀ Sahi	سیامک پسر کیومرث که به دست دیوان کشته شد، نیز پهلوانی تورانی که در جنگ یازده رخ هم‌نبرد گرازه، پهلوان ایرانی بود و به دست او کشته شد.
شاور	♂ Šāvar	سیاوش (سیاوش)
پدر زننگه پهلوان داستانی ایران.	♂ Siyāmak	
شاهو	♂ Šāhu	سیاوش (سیاوش)
از راویان شاهنامه.		
شیدیز	♂ Šabdiz	سیاوش (سیاوش)
شب رنگ. نام اسب خسرو پرویز.		
شگنان	♂ Šakanān	سیاوش (سیاوش)
پهلوان ایرانی.		
شماخ	♂ Šamāx	سیاوش (سیاوش)
پادشاه سوریان و یکی از سرداران کیخسرو در نبرد بزرگ او با افراسیاب.		
شماساس	♂ Šamāsās	سیاوش (سیاوش)
پهلوان تورانی، از سران سپاه افراسیاب.		

شماشاس	♂ Šamāsās	ایران در پادشاهی فریدون و نوذر و کیکاووس و کیخسرو.
پهلوان تورانی، از سران سپاه افراسیاب.	♂ Šide	شیده
شمیران	♂ Šemirān	پسر افراسیاب و یکی از سران سپاه او در جنگ با ایرانیان، که در ضمن نبرد تن به تن با کیخسرو کشته شد.
نام پادشاه هرات و از خویشان جمشید. افراسیاب او را به یاری پیران و سه فرستاد.	♀ Šanbalid	شیران
شنبلید	♀ Šanbalid	نام یکی از زنان بهرام گور. نیز نام گیاهی است.
شنگل	♂ Šongol	شیرخون
شاه هند که برای یاری رساندن به افراسیاب به ایران آمد.	♂ Širvin	نام مردی که بهمن، پسر اسفندیار را نزد رستم به نخجیرگاه راه نمود.
شهر آزاد	♀ Šahrāzād	شیروی
همای، دخت بهمن.	♀ Šahrāzād	پسر گشتاسب، که با دو برادر خود، اردشیر و شیدسپ، در جنگ با ارجاسپ تورانی کشته شد.
شهربانوارم	♀ Šahrbanū'eram	شیروی
دختر گودرز و همسر رستم.	♀ Šahrnāz	پهلوان تورانی که در جنگ منوچهر با سلم و تور، به دست گرشاسب، پهلوان ایرانی کشته شد.
شهرناز	♀ Šahrnāz	شیرویه
نام دختر جمشید که ضحاک او و خواهرش ارنواز را پس از غلبه بر جمشید به زنی گرفت.	♂ Šahryār	پهلوانی ایرانی، پسر بیژن و نواده گیز که با برادرش اردشیر و چند پهلوان دیگر به سالاری زیر و به فرمان لهراسپ، برای بازآوردن گشتاسب، از روم به حلب رفت.
شهریار	♂ Šahryār	شیرویه
یکی از چهار پسر خسرو پرویز و شیرین.	♂ Šidāsp	شیداسپ
شیداسپ	♂ Šidāsp	وزیر تهمورث.
شیدسپ	♂ Šidasp	شیدسپ
پسر گشتاسب که با اردشیر و شیرو، برادران خود، در جنگ گشتاسب با ارجاسپ تورانی کشته شد.	♂ Farāmarz	فراهرز
شیدوش	♂ Šiduš	پسر رستم
پهلوان ایرانی، پسر گودرز و از سران سپاه	♀ Farānak	فرانک

ف

مادر فریدون شاه پیشدادی و همسر آبتین.	♂ Fartus	فارتوس
پهلوان تورانی.	♂ Faršidvard	فرشیدورد
برادر پیران، در جنگ دوم کیخسرو با تورانیان، همورد رهام بود.	♂ Farqār	فرغار
پهلوان تورانی.	♀ Farangis	فرنگیس
دخت افراسیاب و همسر سیاوش مادر کیخسرو.	♂ Forud (Farud)	فروود
پسر سیاوش از جریره.	♂ Fortuhel	فروهل
پهلوان و تیرانداز چابکدست ایرانی در دوران پادشاهی کیخسرو.	♂ Farhād	فرهاد
پهلوان ایرانی از خانواده برزین و از سران سپاه کیکاووس در نبرد با شاه مازندران و پادشاه هاموران.	♂ Fariborz	فریبرز
پسر کیکاووس که بر سر ریودن تخت سلطنت، با کیخسرو رقابت می کرد.	♂ Fereydun (Faridun)	فریدون
پسر آبتین از پادشاهان سلسله پیشدادی، از نژاد تهمورث دیوبند که چون شانزده ساله شد نژاد خود را از مادرش فرانک بشنید و بدان آگاه شد پس به یاری کاوه آهنگر بر ضحاک تاخت و او را مغلوب کرده در کوه دماوند مجبوس نمود.		

ق

قارن، کارن	♂ Qāran, Kāran	پهلوان ایرانی و پسر کاوه آهنگر.
قیباد	♂ Qobād	کیقباد شاه ساسانی. پهلوان ایرانی.

ک

کا کله	♂ Kākole	پهلوان تورانی و از نژاد تور، که پس از شکست افراسیاب از کیخسرو و گریختنش به گنگ دژ به یاری او آمد.
کاکوی	♂ Kākuy	نبیره ضحاک که به یاری سلم، به جنگ منوچهر رفت و اگرچه نخست با نیزه کمریند وی را درید، سرانجام با شمشیر او از پای درآمد.
کاموس	♂ Kāmus	پهلوان تورانی که افراسیاب او را به یاری پیران فرستاد تا کار ایرانیان را که به سرداری توس در کوه هامون در محاصره بودند، یکسره کند. نیز، کاموس کشانی.
کاووس، کیکاووس	♂ Kāvus, Keykāvus	پسر کیقباد، پدر سیاوش و دومین شاه از سلسله کیانیان که رستم جهان پهلوان همزمان او بود.
کاوه	♂ Kāve	آهنگر شورشی نامبردار زمان ضحاک که هفده پسرش را کشتند و مغزشان را به ماران دوش ضحاک دادند، و با قیام او ایرانیان علیه ستم ضحاک برخاستند و ایران

را از دست ضحاکیان بدر آوردند.

کیخسرو، کشته شد.

♂ Kabude **کبوده**

شبان افراسیاب. به دست بهرام سردار سپاه کیخسرو کشته شد.

♀ Katāyun **کتایون**

دخت قیصر روم، همسر گشتاسپ مادر اسفندیار.

♂ Kašvād **کشواد**

پهلوانی در عهد فریدون پیشدادی و پدر گودرز پهلوان.

♂ Kalāhoor **کلاهور**

پهلوان مازندرانی هم‌زمان کیکاووس و رستم.

♂ Kondor **کندر**

پهلوان تورانی از سقلا، که افراسیاب او را با دیگر پهلوانان به یاری پیران در جنگ هماون فرستاد.

♂ Kondru **کندرو**

پیشکار ضحاک.

♂ Kuhzād **کوهزاد**

نام پهلوانی بوده است.

♂ Kuhyār **کوهیار**

یکی از سران سپاه کیخسرو در جنگ بزرگ او با افراسیاب. نیز، برادر غور کوهی، پهلوان قلعه دوازده، در داستان سمک عیار.

♂ Kahrom **کهرم**

پسر ارجاسپ.

♂ Kahilā **کهیلا**

پهلوان تورانی که در جنگ افراسیاب با

♂ Keyārmin **کی آرمین**

پسر کیقباد و برادر کیکاووس.

♂ Kiyāraš **کیارش**

پسر کیقباد و برادر کیکاووس.

♂ Kiyān **کیان**

(جمع کی). لقب شاهان و بزرگان.

♂ Kiyānuš **کیانوش**

(کیا: بزرگ + انوش: جاویدان. بزرگ جاودان). برادر فریدون.

♂ Keypašin **کی پیشین**

یکی از چهار پسر کیقباد، برادر کیکاووس.

♂ Keyxosrow **کیخسرو**

پسر سیاوش و فرنگیس دختر افراسیاب، سومین پادشاه از سلسله کیانیان که پیران او را ابتدا به همراه مادرش به کوه و سپس به گنگ دژ فرستاد و سرانجام به یاری گیو دژ بهمین را فتح نموده و به پادشاهی رسید. او ۱۶۰ سال پادشاهی کرد و به سبب داشتن فر کیانی، او را از مرگ برکنار دانستند. از کارهای مهمش ویران کردن بتکده دژ بهمین در کناره دریاچه چیچست است.

♂ Keyqobād **کیقباد**

پدر کیکاوس و اولین شاه از سلسله کیانیان.

کیومرث، گیومرث

♂ Kiyumars, Giyumars

نخستین پادشاه پیشدادی.

گ

پسر میلاد و از پهلوانان زمان کیخسرو.

♂ Garuy **گروی**

نام پهلوانی بوده است. **گستهم (گستهم)**

♂ Gostahm (Gostaham)

پسر نوذر و برادر توس و از سران سپاه پدر در جنگهای وی با افراسیاب.

♂ Goštāsp **گشتاسپ**

شاه ایرانی که شکل باستانی آن ویشتسپه است.

♀ Gašasbbānu **گشاسب بانو**

دختر رستم و زن گیو.

♂ Golbād, Kolbād **گلباد، کلباد**

برادر پیران، و از سرداران و پهلوانان تورانی در جنگهای تورانیان با ایرانیان.

♀ Golšahr **گلشهر**

همسر پیران و مادر جریره.

♀ Golīnuš **گلینوش**

مراقب خسروپرویز که قباد او را به این کار گماشته بود.

♂ Gudarz **گودرز**

پسر کشواد، شاهزاده اشکانی و از پهلوانان مدبر کاووس و کیخسرو که فرزندان بسیاری داشت.

♂ Gurānšah **گوران‌شاه**

پهلوان ایرانی در جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب.

♂ Giv **گیو**

پهلوان ایرانی، پدر بیژن و پسر گودرز.

♂ Gerāmi **گرامی**

یکی از پهلوانان ایرانی.

♀ Gordāfarid **گرد آفرید**

دخت گژدهم که با سهراب جنگید و به حمیله گریخت.

♂ Gorduy **گردوی**

از سپهسالاران گشتاسپ در جنگ او با ارجاسپ.

♂ Gorazm **گوزم**

یکی از بستگان گشتاسپ، و به روایتی پسر او، که بدخواه اسفندیار بود. نیز، قرزم (Qorazm).

♂ Garsivaz **گرسیوز**

برادر افراسیاب و بدخواه ایرانیان.

♂ Garšā **گرشا**

گلشاه، گرشاه. منظور کیومرث نخستین شاه به روایت شاهنامه است.

گرشاسپ، گرشاسپ

♂ Garšāsp, Garšāsb

(اسب لاغر یا دارنده اسب لاغر). پهلوان زمان فریدون و منوچهر. و نیز نام آخرین پادشاه پیشدادی که نه سال پادشاهی کرد و پس از او کیقباد به تخت نشست و کیانیان را پایه نهاد.

♀ Gorgsār **گرگسار**

پهلوان تورانی و سپهسالار ارجاسپ در جنگ او با گشتاسپ.

♂ Gorgin **گرگین**

ل

♀ Maniže	منیژه	♀ Lavādeh	لواده
	دخت افراسیاب، همسر بیژن.	♂	پهلوان ایرانی که از تبار او هشادوپنج سوار رزم آور در سپاه کیخسرو پای در رکاب داشتند.
♂ Mehrāb	مهراب		لهراسب، لهراسب، کی لهراسب
	(تابش آب). شاه کابل و پدر رودابه.	♀ Lohrāsp, Lohrās, Keylohrās	(صاحب اسب تندرو). یکی از پادشاهان کیانی، از نوادگان کی‌پشین و پدر کی‌گشتاسب که سلطنت را کیخسرو بدو بخشید و او نیز سرانجام به آتشگاه نوبهار بلخ رفت و به عبادت مشغول شد و سلطنت را به گشتاسب واگذار کرد.
♂ Mehrās	مهراس	♂ Mehrbondād	مهربنداد
	امیر خزر.		دهقان مرقهی در زمان بهرام گور که شی در باغ خود میزبان وی بود.
♂ Mehrnuš	مهرنوش	♂ Milād	میلااد
	(روشنایی جاودان). و نیز، از پسران اسفندیار که فرامرز پسر رستم او را کشت.		پهلوان ایرانی و پدر گرگین.
♀ Mānuš	مانوش	♀ Māhāfarid	ماه‌آفرید
	تنی چند از نیاکان منوچهر پیشدادی.		دختر تور، و نیز همسر بهرام گور.
♀ Mānūš	مانوش	♂ Mardās	مرداس
			نام پدر ضحاک، مردی گرانمایه در روزگار جمشید.
♀ Māhāfarid	ماه‌آفرید	♂ Manšur	منشور
			از متحدان افراسیاب که به بند رستم گرفتار شد.
♂ Narimān	نریمان	♂ Manučehr	منوچهر
	پدر سام پهلوان ایرانی.		شاه ایرانی، نیره ابرج از شاهان پیشدادی.
	نستور (بستور و وستور)	♂ Manušān	منوشان
♂ Nastur (Bastur, Vastur)	نستور		پهلوان ایرانی زمان کیخسرو («منو») از ریشه «مینو» به معنی «معنویت» و «بهشت» است.
	نام یکی از سرداران منوچهر در عهد فریدون.	♂ Nuš-āzar	نوش‌آذر
♂ Nowzar	نوزر		(آتش جاودان). پسر اسفندیار.
	هفتمین پادشاه پیشدادی. شکل قدیمتر «نوتَر Naotara».	♂ Niram	نیرم

م

و

پدر سام (نریمان).
گشتاسب در سرزمین روم نخستین بار با او آشنا شد.

♂ Varāzād	ورازاد
	شاه سیجاب که به دست فرامرز و به کین خواهی سیاوش کشته شد.
♂ Vastuy	وستوی
	یکی از بزرگان زمان هرمز، پسر انوشیروان و از یاران خسرو پرویز.
♂ Visa(e), Veysa(e)	ویسه
	سپهسالار پشنگ در عهد نوذر پیشدادی. پدر پیران نیکخواه ایرانیان.

ه

♀ Homāy	همای
	دخت گشتاسب و خواهر اسفندیار. نیز، دخت بهمن و مادر داراب.
♂ Hušang	هوشنگ
	پسر سیامک و از پادشاهان پیشدادی. در اوستا «هئوشنگ» آمده است. آتش را او یافت و جشن سده را که در دهم بهمن و پنجاه روز به نوروز مانده است، بنیاد نهاد.
♂ Humān	هومان
	(نیک‌اندیش). سپهسالار افراسیاب و برادر پیران و سه.
♂ Hirbod	هیربُد
	پرده‌دار مشکوی کاوی که مدتی پیغام سودابه را به سیاوش می‌برد.
♂ Hišuy	هیشوی
	یکی از مرزبانان روم در زمان لهراسب که

گلبانگ نامها
از
گلدسته‌های ایران‌شهر

www.KetabFarsi.com

نامهایی از مهد دلاوریهای رستم دستان

اکنون سخن از سرزمینی است که بخشی زرخیز از فلات ایران، سیستان کهنسال، نگاهبان سرزمین فردوسی، پدر حماسه‌های میهنی-ملی ایرانیان اصیل، زادگاه تهمتن- رستم دستان؛ و الهام‌بخش حکیم تاریخ ما «پیر توس» است. این زرآباد افتخار آفرین، با شهرتی جهانی، قرن‌ها چون انبار غله ایران، دشمن بزرگ تنگدستی و گرسنگی ایرانیان، و حتی مددکار همسایگان کشور ما بود. سیستان جلگه‌ای پست و هموار، در منتهی‌الیه مرز شرقی، یکی از قدیمیترین مراکز علم و فرهنگ و نجوم در دنیای پیش از میلاد مسیح، از اصلیت‌ترین مراکز تمدن ایرانی، و خود آتشگاه بزرگ یکتاپرستان زرتشتی اصیل بوده است. نیمه مخروبه «کرکوک» معبد بزرگ زرتشتیان پس از سه هزار سال هنوز در سیستان پابرجاست. مؤلف تاریخ سیستان، بنای آن را چهار هزار سال پیشتر از ظهور اسلام و بنیانگذارش را گرشاسب دانسته، درباره آن نوشته است: «اینجا سیوستان است، «سیو» مرد مرد را گفتندی بدان روزگار؛ و سیستان بدان گویند که همیشه آنجا مردان مرد باشند.» و بدین ترتیب، سیر تحول این واژه به صورت صیقل خورده و زیبای سیستان انجامید. نامی ساده و روان، و همچون دریاچه «هامون» درین زرخیزستان، شورانگیز و شیرین و پر خون. برخی براین باورند که «سیستان» تحریف شده «سکستان»- سرزمین «ساک» یا «سکه» (Saka) است. پیش از فرمانروایی سکاها، سیستان را «درنگیان» یا «زرَنگه» (Zaranka) به معنی

دریا می‌نامیدند.

جغرافی‌دانان سده‌های پیشین، نام سیستان را در کتابهایشان «نیمروز» آورده‌اند. نقش نیمروز، بر سکه‌های ملوکِ کیانی در دوران سلجوقیان و صفویان نیز دیده شده است.

بخشی از جلگه وسیع هیرمند در ایران، سیستان و پاره‌ای از آن در پاکستان و بخش گسترده‌تر آن در افغانستان کنونی است. گو اینکه آن بخش‌ها نیز همچون مناطقی دیگر (ایروان و قفقاز و باکو و...) به ملت ایران متعلق بوده است. پلنگ کوه، مشرف به جلگه سیستان، از مهمترین مرتفعات این دیار، و رود هیرمند که بزرگترین رود مرکزی ایران شناخته شده است هم در این جلگه کم نظیر، یگانه شاهرگ زندگی سیستان است. آب و هوای پرورشگاه یعقوب لیث صفاری، عیار بزرگ، هم چون ملت او متلاطم و مانند روح او توفانی است. و چون دستهای دهقانانش خشک و ترک خورده، اما پرشور از گرمایی مهرانگیز، می‌غرّد و می‌پیچد و می‌نویسد و می‌گذرد، اندوهگین و تنگدست...

مردم سیستان در گذار از سخت‌ترین رویدادهای تاریخ ایران آبدیده و صیقل خورده، همواره مظهر ایران دوستی، آزادگی و استغنا، صبر و انتظار، و یاور ملت عظیم‌الشان خود بوده‌اند. طایفه‌هایی بسیار، در طول تاریخ سیستان، شکل گرفته و برپادارنده سرزمین و فرهنگ ملی‌شان بوده‌اند. شناخته‌ترین آنان عبارتند از: براهویی، نارویی، طاهری و طاهرنژاد، سرابندی، راثرودی، عارف و عارفی، سرگلزایی، میرسنجرانی، فیروز کوهی، سالاری و سالار زهی، شهرکی، شهریاری و...

نزدیک به سه چهارم سیستانی‌ها به کشاورزی مشغولند. دامداری، صنایع دستی، صید پرنده و ماهی، زیربنای اقتصاد سیستان را ساخته است. گو اینکه حوادث طبیعی و تاریخی ناگوار، از صدسال پیش بدین‌سو، ریشه بهترین دامداری و کشاورزی ایران را

که در سیستان بوده برانداخته است.

سیستانی‌ها در حصیربافی، سوزن دوزی، خامه‌دوزی، گلیم بافی و قالی‌بافی، سابقه تاریخی بسیار طولانی و مهارت استادانه دارند. پرده‌های سیستانی که از نوعی نی بافته می‌شود بهترین پرده‌های حصیری و نئین ایرانی، مشهور، و از صادرات عمده سیستان به استانهای دیگر و حتی به کشورهای همسایه است. اسب و گاو میش سیستانی در جهان مشهور، و در نوع خود بی‌نظیرند.

گوش سیستانی به گواهی تحقیقات علمی زبان‌شناسان بزرگ، قدیم و بسیار کهنسال است. لهجه سیستانی را زابلی- و در گذشته زاوولی- نیز خوانده‌اند. لهجه‌ای آتشین و دلنشین، که از آهنگ و لطف و صلابت، سرشار و در جان آشنای آن برانگیزنده شور و حال است. سیستانی‌ها «فارس» اند و از اصل ایرانیان قدیم و اصیل، بازماندگان «سگزی‌ها» و «سکا»های تیز خُو؛ وارث سنگین‌ترین یادها و رنج‌ها و سربلند از سرفرازترین افتخارات تاریخی- ملی و تربیت کننده شاعر بزرگ فرّخی سیستانی اند.

در ششمین شب تولد نوزاد، جشنی به نام «شب خیر» برپا می‌کنند. فرقی برای پسر و دختر قائل نیستند، ولی نوزاد پسر برای خانواده شیرین‌تر و دلچسب‌تر است. در این روز گندم و تخمه را برشته می‌کنند و همراه خرما به خانه‌های بستگان و همسایگان می‌فرستند و بدین ترتیب «شب خیر» نوزادشان را به آنان خبر می‌دهند. نوزاد را در سینی یا مجمعه بزرگی می‌گذارند و آن را روی چارپایه یا صندوقی قرار می‌دهند. از مهمانان با شیرینی، خرما، نقل، نبات و چای پذیرایی می‌شود. آنگاه نوزاد را نزد مهمانان می‌برند و هریک از ایشان وجهی به عنوان «چشم روشنی» در زیر بند قنّاق نوزاد می‌گذارد. در روستاهای سیستان، به دنیا آمدن نوزاد خصوصاً پسر را با شلیک گلوله‌ای- در گذشته- به اهالی خبر می‌دادند. نام نهادن روی کودک نورسیده در شب خیر انجام می‌گیرد. گاهی از

نام پدر، مادر یا خویشاوندی که در جوانی در گذشته است انتخاب می‌کنند. اسامی قهرمانان، شاهان، سرداران تاریخی ایران و سیستان و همچنین اسامی مذهبی از نامهای انتخابی آنهاست.

سیستانی‌ها از حروف «ص»، «ض»، «ط»، «ظ»، «ع»، «ذ» و «ژ» کمتر از حروف دیگر بهره می‌برند. چراکه در این زبان لازم نیست کلمات را از انتهای گلو ادا کنند. علائمی که برای آواهای خاص این بخش به کار رفته‌اند، به شرح زیر است:

o	صدای	اُ	کشیده	مانند	لاو	Lālo
a	صدای	آ	کشیده	مانند	جَهند	Jahand
e	صدای	اِ	کشیده	مانند	دروش	Dorveš
i	صدای	ای	کشیده	مانند	بی‌برگ	Bibarg

♀ Bānari بانری
بانوی بانوان.

♂ Baxtu, Baxtuk بختو، بختوک
بخت، اقبال.

♂ Baxši بخشی
بخشیده.

♂ Barāxās براخاص
بدیل

♂ Badil
همان نظیر و بدیل است، با تأکید بر «ب» در تلفظ کشیده آن.

♂ Borān بُران
شاخه‌ای از ایل بارانی بدین نام منسوبند.

♂ Berāhuk براهوک
ابراهیم.

♂ Brāhem براهم
ابراهیم.

♂ Beryāli بریالی
برفی

♂ Barfi بزرگ
بسم‌الله خان

♂ Besmellāhxān
♀ Basi بستی
دختر بس.

♂ Baloč بلوچ
♂ Baločak بلوچک

♂ Bandu بندو
خادم، از نجبای معاصر خسرو پرویز.

♂ Bandur بندور

آ

♂ Āzād آزاد
♂ Āzādi آزادی

برای نام فامیل.
♂ Āsoka آسکه

به معنی افسانه و قصه است.

ا

♂ Afsar افسر
تاج.

♂ Allāh-dād اللّٰه‌داد
♂ Emāmbakš امام بکش

امام بخش، «خ» در زبان بلوچی.

♀ Urān اوران
♂ Avaš آوش

همان جیش است.

ب

♂ Bādār بادار
واژه کهن پارسی، عنوان احترام‌آمیز.

♂ Bārān باران
همان بارش، و «بارانی» بیشتر به عنوان نام فامیل، برگرفته از ایلی به همین نام در سیستان.

♂ Bālāč بالاج
برگرفته شده از واژه بلوچ.